

نویسنده: دوگ باندو «Doug Bandow»
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2022-06-01»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**فروپاشی افغانستان: سرمفتش یا بازرس کل
دریافت که ایالات متحده «20» سال را صرف
ساختن یک کشور وابسته به پوتمکین (ظاهری
و فریبنده) کرده است**

The Afghanistan Collapse: Inspector General Finds US Spent 20 Years Building a Dependent Potemkin Nation

توضیح ویژه ای پوتمکین: یک افسر سیاستمدار روس که مورد علاقه کاترین دوم بود؛ و در سال «1762» به او کمک کرد تا قدرت را بدست گیرد؛ هنگامیکه او در سال «1787» از کریمه بازدید کرد؛ دستور ساخت روستاهای ساختگی را صادر کرد (1791-1739)..... تفصیل توسط این قلم از منابع اینترنتی



**نظامیان آمریکایی در قرا و دهات افغانستان و تحت شکنجه قرار دادن
افغان ها**

تهاجم روسیه به اوکراین بسیاری از مسائل دیگر سیاست خارجی را از صفحه اول خارج کرده است. رئیس جمهور **جو بایدن** برای اثبات اینکه مقامات دولت می‌توانند جنگ با روسیه و مقابله با چین را در همان زمان دامن بزنند، از آسیا دیدن کرد. خبط ظاهری او در مورد تایوان بیشترین توجه را به خود جلب کرد.

وقایع مهم دیگر تا حد زیادی نادیده گرفته شده‌اند. در خاور میانه، مقامات آمریکایی به طور کامل از عربستان سعودی و امارات متحده عربی "مک یا خوشامد گویی" می‌کنند. بدتر از آن، به نظر می‌رسد دولت آماده است تا توافق هسته‌ای با ایران را قربانی فشار اسرائیل کند. در آفریقا، دولت **بایدن** نیروهای آمریکایی را به سومالی بازگرداند. چپ در آمریکای لاتین در حال افزایش است و طرح واشنگتن برای حذف **کوبا**، **نیکاراگوئه** و **ونزوئلا** از نشست آتی قاره آمریکا را به چالش می‌کشد. **افغانستان** همچنان یک سیاهچاله امنیتی و یک فاجعه انسانی است. برای حزب جنگ یک مسئله اعتقادی است که اگر ایالات متحده چند سال دیگر چند سرباز را در ایستگاه نگه می‌داشت، همه چیز خوب بود. همانطور که شیر با بره دراز می‌کشید. با این حال، یک گزارش جدید از سوی بازرس ویژه برای بازسازی افغانستان (سیگار) نشان می‌دهد که این حقیقت نئومحافظه طلبی یک موضوع ایدئولوژیک است. در واقع، دولت مورد حمایت ایالات متحده احتمالاً تا زمانی زنده می‌ماند که آمریکایی‌ها برای مبارزه با طالبان باقی می‌مانند. علیرغم اینکه سه دولت متوالی ایالات متحده دو دهه و میلیاردها (در واقع صدها میلیارد) دلار را اختصاص دادند و نیروهای متحد متحمل هزاران تلفات شدند، اما واشنگتن در افغانستان چندان تأسیس یا مستقر نشده بود که به تنهایی زنده می‌ماند.

والبته که هیچ چیز و یا هیچ شرایط لازم بخاطر ماندن آمریکا در افغانستان را تضمین نمی‌کرد. واشنگتن اصلاً هیچ منافع قابل توجهی در آسیای مرکزی ندارد، آسیایی که تقریباً به اندازه هر نقطه دیگر از دنیا در روی زمین از ایالات متحده فاصله دارد و توسط چندین قدرت جهانی و منطقه‌ای محدود است: **چین**، **روسیه**، **هند**، **ایران** و **پاکستان**. همه آنها منافع امنیتی جدی در افغانستان دارند که باید بدون حضور واشنگتن به آن رسیدگی می‌کردند - همانطور که پس از خروج ایالات متحده کشف کردند.

دولت بوش برای نابود کردن یا از کار انداختن القاعده به دلیل که به آمریکا حمله کرد و طالبان را بخاطر اینکه از این سازمان تروریستی القاعده میزبانی میکردند مجازات کرد. نیروهای آمریکایی به سرعت موفق شدند. پیروزی آنها به قدری کامل بود که طالبان به دنبال مذاکره در مورد تسلیم عملی خود که بودند موفق نشدند. با این حال، **دوبیا (Dubya & Co)** و همکاران، متکبر و خودپسند معتقد به عدالت و تقوی خود از ابتدا تا انتها، احماً نه امتناع کردند بقیه، از جمله مرگ و ویرانی فراوان در تاریخ این سرزمین غم انگیز، باقی می‌ماند.

گرچه ساکنان بزرگترین شهرهای افغانستان از حضور متحدین یا نیروهای بیرونی سود می‌بردند، اما نه چندان روستایی‌ها یا ساکنین بومی قرا و قصبات افغانستان، که در درجه اول جنگ در آنجا جریان داشت. **بکتاش احدی**، مترجم نیروهای آمریکایی

مستقر ایالات متحده، در افغانستان نحوه نگرش افغان‌ها را به این جنگ چنین توضیح داد: "تحقیقاً یا بصورت مجازی تنها تما سی که بیشتر افغان‌ها با غربی‌ها داشتند، از طریق سربازان جنگی مسلح و زره پوش بود. بنا براین آمریکایی‌ها روستاهای افغانستان را با یک صحنه جنگی ساده به اشتباه گرفتند. و این نیروهای ایالات متحده روستاهای را به میدان جنگ تبدیل کردند، خانه‌های گلی را خاک یکسان و معیشت یا نظم زندگی مردم عامه را ویران کردند. تقریباً می‌شد صدای خنده طالبان را شنید که هر گونه همدردی با غرب را در انفجارهای تیراندازی از بین می‌برد." امری که آمریکا را در کنار حکومت کابل یعنی حکومت فاسد، نالایق، غیرقابل اعتماد و دور از مردم به دشمن تبدیل کرد. **احدی افزود:** «در مقایسه کردن طالبان با ایالات متحده و متحدان غربی آمریکا، اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان در بین این دوشیطان همیشه طالبان را به عنوان شر و یا شیطان کوچکتر می‌دانند و یا می‌شناسند».

باین حال، هیچ کس در واشنگتن نمی‌خواست حقیقت را بپذیرد. مقامات ایالات متحده اصرار داشتند که پیشرفت بدون توجه به تجربه در میدان انجام شده است. **کریگ ویتلاک**، روزنامه نگار واشنگتن پست، این بی‌صدافتی مداوم را در «مقاله‌های افغانستان» تشریح کرد. او گزارش داد که "مقامات ارشد ایالات متحده در طول مبارزات انتخاباتی 18 ساله نتوانستند حقیقت را در مورد جنگ در افغانستان بگویند، اظهارات بدی داشتند که می‌دانستند دروغ است و شواهد غیرقابل انکاری را پنهان می‌کردند از اینکه این جنگ غیرقابل پیروزی بوده است

وقتی اطلاعات رسمی شکست را نشان میداد، دولت ترامپ این سوال کلاسیک را مطرح میکرد: چه کسی را باور باید کرد، من یا چشمان دروغگویتان را؟ سپس مقامات از دسترسی مردم به دریافت حقایق محروم شدند. **اندرو کوردزمن** از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی گزارش داد که «گزارش منبع باز ویا آزاد در مورد روند جنگ بسیار بحث برانگیز است - تا جایی که فرماندهی تحت رهبری ایالات متحده گزارش در مورد کنترل و نفوذ دولت افغانستان در مقابل طالبان را لغو کرده است. گزارش‌های طولانی‌تر در مورد بسیاری از جنبه‌های قابلیت‌های عملیاتی نیروهای امنیتی افغان را. با این حال، پس از فروپاشی دولت کابل، واشنگتن اظهار داشت که از اینکه کشور **پوتمکین** را ساخته است، شوکه شده است. عامل مهم از هم‌پاشیدگی نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان (ANDFS) بودند. پس چی شد؟ سرمفتش خاص برای بازسازی افغانستان نتیجه‌گیری کرد: "تنها مهم‌ترین عامل در فروپاشی نیروهای دفاعی امنیت ملی در اوت 2021، تصمیم ایالات متحده برای خروج نیروهای نظامی و قراردادی از افغانستان بود".

سرمفتش خاص برای بازسازی افغانستان توضیح داد: "به دلیل وابستگی ANDSF به نیروهای نظامی ایالات متحده، این رویدادها روحیه ANDSF را از بین برد. ANDSF برای محافظت در برابر تلفات گسترده ANDSF برای مدت طولانی به حضور ارتش

ایالات متحده متکی بود و سربازان افغان ایالات متحده را به عنوان وسیله ای می دیدند. توافقنامه ایالات متحده و طالبان به وضوح نشان می دهد که دیگر چنین نیست و منجر به احساس رها شدن در نیروهای دفاعی امنیتی و امنیتی افغانستان و مردم افغانستان می شود. اعضای حزب جنگ که هرگز درگیری را پیدا نکردند که معتقد بودند دیگر آمریکایی ها نباید با آن بجنگند، به این نتیجه رسیدند که رئیس جمهور **دونالد ترامپ** و **جو بایدن** در خروج نیروها از افغانستان مقصر بودند. با این حال، جنگ داخلی افغانستان که به چهار دهه قبل برمی گردد، نبرد آمریکا نبود. در مورد تهدید تروریسم، تلاش برای اشغال دائمی در هر نقطه روی زمین که یک گروه متخاصم ممکن است در آن فعالیت کند، یک استراتژی محکوم به فناست. حضور القاعده در افغانستان باعث واکنشی موقتی شد. آن وقت آمریکا باید می رفت. ماندن، و ترک نکردن افغانستان، اشتباه و اشنگتن بود. به خصوص زمانی که در ایجاد یک دولت افغانستان موفق نشدیم.

به طرز غم انگیزی، سیاست ایالات متحده، نیروهای افغان را به طور ناامید کننده ای تضمین کرد. به عنوان مثال، "محدود کردن حملات هوایی پس از امضای توافقنامه ایالات متحده و طالبان در سال بعد، نیروهای دفاعی امنیت ملی را بدون مزیت کلیدی در دور نگه داشتن طالبان رها کرد. سپس، نیروهای دفاعی امنیت ملی تا حدودی به ارتش ایالات متحده متکی بودند زیرا ایالات متحده آمریکا را طراحی ANDSF. میدانستند و انهم به عنوان نیروهای امنیت ملی همسان به نیروهای ایالات متحده. این امر وابستگی های بلند مدت ANDSF را ایجاد کرد. ایالات متحده یک ساختار نظامی تسلیحاتی ترکیبی ایجاد کرد که به درجه بالایی از پیچیدگی نظامی و رهبری حرفه ای نیا زداشت." نیروهای هوایی افغانستان به تنهایی از عهده این وظیفه برنیا آمدند. در نتیجه، واحدهای دفاع امنیت ملی شکایت داشتند که مهمات، غذا، آب یا سایر تجهیزات نظامی کافی برای ادامه درگیری های نظامی علیه طالبان در اختیار ندارند.

«واشنگتن آنچه را که برای ایجاد یک نیروی خودپایدار لازم بود دست کم گرفت
تفصیلی از سیگار :

«هیچ کشور یا آژانسی مالکیت مأموریت توسعه ANDSF را نداشت. در عوض، مالکیت در داخل ائتلاف به رهبری **نا تو** و سازمان های موقت مانند نیروهای بین المللی کمک به امنیت (ISAF)، پشتیبانی قاطع، و فرماندهی انتقال امنیت ترکیبی وجود داشت. افغانستان همه این نهادها با چرخش مستشاران نظامی و غیرنظامی در حال تغییر بودند. جابجایی مداوم پرسنل مانع تداوم و حافظه نهادی شد. نتیجه یک رویکرد ناهماهنگ بود که کل مأموریت را آزار می داد».

بدتر از آن، شاید "طول تعهد ایالات متحده با درک واقع بینانه از زمان مورد نیاز برای ایجاد یک بخش امنیتی خودپایه - فرآیندی که دهه ها طول کشید تا در کره جنوبی محقق شود. نقاط عطف مستمر در حال تغییر و سیاست محور برای تعامل ایالات متحده، جدا

بود. توانایی آن را برای تعیین اهداف واقع بینانه برای ایجاد یک نیروی نظامی و پلیس توانا و خودپایدار را تضعیف کرد "تقصیر این نبود که دولت های متوالی آمریکا نتوانستند وقت اضافی بگیرند، زیرامنافع ایالات متحده چنین تلاشی را تضمین نمی کرد. در عوض، خطا این بود که تصور کنیم این فرآیند می تواند در زمان معقول و با هزینه معقول تکمیل شود.

افغان ها جنگیدن را بلد ند. منطقی نیست که انتظار داشته باشیم آنها مانند آمریکایی ها این کار را انجام دهند. با این حال، تقریباً در هر مرحله، ایالات متحده افغان ها را به کمک های غرب وابسته می کرد. سرمفتش خاص برای بازسازی افغانستان توضیح داد: "به عنوان مثال، موفقیت در میدان نبرد برای ایجاد شرایط لازم برای پابین کشیدن نیروهای جنگی ایالات متحده بسیار مهم بود. اما از آنجایی که سربازان ایالات متحده در نبرد بسیار موثرتر بودند، آنها اغلب ماموریت ها را رهبری می کردند یا شکاف های حیاتی را در ماموریت ها پر می کردند - ارائه پشتیبانی هوایی نزدیک، حملات هوایی، خدمات پزشکی، تدارکات، و جمع آوری اطلاعات - به قیمت به دست آوردن تجربه جنگیدن توسط نیروهای دفاعی ملی افغانستان. در نتیجه، ارتش ملی افغانستان بیش از حد به قابلیت های قرض گرفته شده متکی شد.

به همان اندازه احمقانه، اگرچه بدون شک برای **مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا** - که بزرگترین ذینفع از برنامه کمک های ایالات متحده به **اوکراین** است - سودآور است - «ایالات متحده با ارائه تجهیزات نظامی پیشرفته به نیروهای دفاعی امنیتی دفاعی وابستگی های طولانی مدت بیشتری ایجاد کرد که قادر به حفظ آن نبودند. علاوه بر این، از سال 2005، وزارت دفاع آمریکا مجوز کنگره را برای اجرای یک پروژه فروش شبه نظامی خارجی دریافت کرد که دولت افغانستان را از هر گونه نقش رسمی در روند تجهیز حذف کرد. از سال 2005 به بعد، ایالات متحده به مسئولیت انحصاری الزامات تجهیزات ANDSF، برآورده شدن این الزامات، و پرداخت برای اقلام خریداری شده است." پس از صرف پول و تلاش بسیار برای تلاش مذبحخانه برای ایجاد نیروهای نظامی و پلیس موثر افغانستان، ایالات متحده نتوانست در مورد اثربخشی این پروژه قضاوت کند. SIGAR اشاره کرد یا که اشاره میکند:

ایالات متحده هیچ معیار واقعی برای اندازه گیری توسعه ANDSF نداشت. معیارهای DOD مورد استفاده ناسازگار بود و قادر به اندازه گیری توسعه قابلیت ها و ظرفیت های ANDSF در طول زمان نبود. از سال 2005، معیارهای ایالات متحده مورد استفاده توسط ارتش عمدتاً بر ورودی ها و خروجی ها متمرکز بود. عوامل تخریب کننده عملکرد مانند رهبری ضعیف و فساد را پنهان می کند. در طول افزایش نظامی ایالات متحده، روش های اندازه گیری پنج بار تغییر کرد و ردیابی طولانی مدت پیشرفت ANDSF را غیرممکن کرد. علیرغم هدف ایجاد یک ANDSF خودپایدار، بالاترین اندازه

گیری ثبت شده پیشرفت در طول انتقال امنیت ارتش ایالات متحده به ANDSF "مستقل از مشاوران" بود، که کاملاً از هدف اعلام شده وزارت دفاع خارج بود.

بدیهی است که این موضوع بیش از همه برای دولت کابل اهمیت داشت با این حال، واشنگتن متحدان فرضی خود را حتی در دسترسی به اطلاعات وابسته نگه داشت. SIGAR نتیجه گرفت:

"در طول این ماموریت 20 ساله، دولت افغانستان فاقد مالکیت و دسترسی به سیستم های مهم افغانی مسئول ردیابی پرسنل و تجهیزات ANDSF است. مقامات ارتش دولت افغانستان به SIGAR گفتند که علیرغم داشتن کارکنان مسئول مدیریت منابع انسانی و تدارکات، این کارمندان این کار را نکردند. توانایی دسترسی مستقل و اصلاح سیستم های پاسخگویی را ندارند. برای دسترسی و دستکاری داده های ANDSF، مقامات ارتش افغانستان مجبور بودند از قراردادی های آمریکایی مستقر در وزارتخانه های دفاع و داخله درخواست بازخوانی کنند. برنامه ریزی داخلی عملیات به یگان های همکار ANDSF فقط اطلاع محدودی از عملیات می داد، زیرا می ترسید که ANDSF نقشه های خود را به طالبان درز کند. عملیات رهبری شده است."

دخالت آمریکا در افغانستان از FUBAR مداوم رنج می برد. با این حال، تقصیر فروپاشی افغانستان تماماً به گردن واشنگتن نبود. سیاستگذاران ایالات متحده صلاحیت و شجاعت سیاسی را فرض می کردند که در کابل وجود نداشت. دولت افغانستان نتوانست برای خروج آمریکا از این کشور آماده شود. به نظر می رسد دلیل کمی برای انجام این کار وجود دارد. به هر حال، Blob، همانطور که نهاد سیاست خارجی ایالات متحده شناخته می شود، و همچنین ارتش ایالات متحده، ترامپ را در طول دوره ریاست جمهوری او خنثی کرده بود و افغان ها طرح خروج او را به عنوان یک تاکتیک مذاکره می دیدند. سرمفتش خاص برای با زسازی افغانستان گزارش داد: "دولت افغانستان نتوانست استراتژی امنیت ملی و پلان امنیت ملی را به دنبال خروج نیروهای ایالات متحده ایجاد کند. در عوض، رئیس جمهور پیشین اشرف غنی، مکرراً رهبران ANDSF را تغییر داده و وفادارانی را منصوب می کند، در حالی که افسران آموزش دیده ANDSF را همسو با نیروهای آمریکایی به حاشیه رانده است. ایالات متحده. جایجایی مداوم زنجیره های فرماندهی، اعتماد و روحیه نظامی را در ANDSF تضعیف کرد. افسران جوان، آموزش دیده، تحصیل کرده و حرفه ای ANDSF که زیر نظر ایالات متحده بزرگ شدند به حاشیه رانده شدند و پیوندهای آنها با ایالات متحده به یک مسئولیت تبدیل شد." طالبان از این اشتباهات نهایت استفاده را بردند.

ماجرای جویبی آمریکا در افغانستان یک تراژدی فوق العاده بود. دولت بوش این فرصت را داشت تا از ایجاد یک دولت جدید که شامل نمایندگی برای طالبان باشد، حمایت کند. افسوس که تجاوز مستکبران این شانس را از واشنگتن از دست داد و در نهایت مردم افغانستان شیطان را که می شناختند بر خارجی های ناخوانده انتخاب کردند. شکایت هایی مبنی بر اینکه خروج زود هنگام واشنگتن در جنگ شکست خورد را فراموش کنید. سیاست ایالات متحده تضمین کرد که افغانستان هرگز به یک جمهوری لیبرال و مستقل و همسو با آمریکا تبدیل نخواهد شد.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

داگ باندو از اعضای ارشد موسسه کاتو است . او که دستیار ویژه سابق رئیس جمهور رونالد ریگان بود، نویسنده کتاب حماقت های خارجی: امپراتوری جهانی جدید آمریکا است .

----- **با تقدیم احترامات «2022-06-03»**